

سجاد صفارهرندی

مسأله‌ای چند روزی است ذهنم را مشغول کرده و لازم دیدم تا از این بیات‌نشدۀ آن را قلمی کنم. چیزی که این دغدغه را برانگیخت، شنیدن این خبر از بعضی دوستان بود که تظاهر کنندگان پرشمار جنبش سبز دانشجویی در دانشگاه تهران (که بنا بر تخمین‌های دقیق و روشمند – البته به روش جنبش سبز – تعدادشان اگر نه میلیونی، صدها هزار بوده است!) ولی به چشم ظاهرین رفقای ما ۳۰۰ – ۲۰۰ نفر بیشتر نینمادند(اندهنگام جنبیدن (جنبش است دیگر!) در حاشیه مراسم افتتاح دانشگاه‌ها و ضمن مواجهه با عدمای دانشجویمان که علمِ دیگری به دست و حرف دیگری بر زبان داشته‌اند، شعار «انججوی سهیمای» سر داده‌اند. البته تعجب من از این بابت نبود که دوستان سبز ما بطور با یک نظر به چهره، کل ویژگی‌های فردی و سوابق تحصیلی طرف مقابل‌شان را تشخیص می‌دهند و نه حتی از این بابت که چرا باید مسأله‌ای چون سهیمه تحصیلی اختصاص‌یافته به خانواده‌های شهدا و ایثارگران که در مقابل دین کشور و همه ما به این عزیزان ناچیز و بی‌مقدار است، به این نحو نامناسب پرچسته و تبدیل به چماق شود؛ نه مسأله اینها نبود، چیزی که ذهنم را مشغول کرد این بود که بارها از زبان دوستان سبزز شنیده و مطالب‌شان خوانده بودم که اکثر خانواده‌های معظم شهدا امت حزب الله «واقعی» و بسیجی‌های «واقعی» حامی جنبش سبز و از آن صوفو به هم فشرده(!) آن هستند فلذا در فضای دانشگاه‌ها هم فرزندان راقتقر شهدا و ایثارگران که با استفاده از سهیمه وارد دانشگاه شده‌اند (و باز تأکید می‌کنم که این امتیازی مشروع و ناچیز در مقابل سهیمه است که ایثار در آرایش و عزت امروز ما دارند) باید در میان جنبش سبز دانشجویی و همصدا با آن باشند پس ماجرا چیست که دوستان سبز ما به دانشگاهی ما تا در مقابل خود صدایی می‌شنوند، این را به «سهیمای»ها (خانواده شهدا و ایثارگران) نسبت می‌دهند؟ چرا به رغم آن همه آزار، در عمل شعاری می‌دهند که نشانگر آن است که خانواده شهدا و همان بسیجی‌های «واقعی» را در مقابل خود می‌بینند؟ تکند آنها در لایه‌های نهایی قلب خود نظراتی دارند که از آنچه بر زبان می‌آورد متفاوت است و ناگهان به صورت ناخودآگاه با سر دادن یک شعار لو می‌رود؟ به نظر شما اسم این وضعیت چیست؟ ماجرا به همین نمونه محدود نمی‌شود. در هفته‌های قبل از انتخابات که من هم مثل خیلی‌های دیگر توفیق حضور در مباحث و مناظره‌های خیابانی را داشتم، با نمونه‌های جالب و البته عجیبی از این مسأله مواجه شدم. جالبترین مورد مربوط به جوان سبزی بود که بر سر سیاست تدفین شهدا در دانشگاه‌ها به عنوان یکی از اقدامات دولت نهم با من بحث می‌کرد. در گرم‌گرم بحث، دوست عزیز ما – که کمی قبل‌تر با حرارت داشت شعار «ای ما، یک کلام، نخست وزیر امام» سر می‌یاد – برگشت و گفت:

«صلاً مگر این بنده‌های خدا (شهدا) کی اند؟! آدم‌های بیچاره‌ای که گول خوردند و خودشان را بیخودی به کشتن دادند و…» دوست سبزی‌مان را کنار کشیدم و دوستانه به او گفتم که این نحوه دفاع از کاندیدای مورد علاقه‌اش درست نیست چون(با عرض پوزش از محضر نورانی امام و شهدا) احتمالاً این کسانی که شهدا را گول زده‌اند، همان امام و نخست وزیرش و دیگر اعوان و انصارش بوده‌اند که شما برایشان حنجره می‌دریند! نمی‌دانم چقدر این توصیه دوستانه کارگر افتاد ولی راستش اصلاً باید بعین دلم گفت که همان دوست عزیز در راهبیمایی روز رقص هم شرکت کرده و در آثانی سر دادن شعار افتخار آمیز «همه غزه، نه لبنان…» تا چشمش به ما بسیجی‌های «غیرواقعی» افتاده فریاد برآورده باشد که «بسیجی واقعی، همت بود و پآکری!» غافل از اینکه (از همه حواشی و وجوه پروپلماتیک «بسیجی واقعی» که بگذریم) همین محمدابراهیم همت که نهایتاً هم جان خود را بر سر حفظ تمامیت ارضی و برافراشتن مائند پرچم اسلام در ایران فدا کرد، در سال ۶۱ و در حالی که ایران عزیز ما درگیر جنگی تمام عیار در مرزهای خود بود، چند ماه در سوریه و لبنان به سر برد تا در صحنه نبرد اسلام و کفر صهیونی حاضر باشد و نیروهای شیعه لبنانی را برای مقابله با فرماندهی دارد به نام حاج احمد متوسلیمان که در همین سفر به اسارت مزدوران اسرائیل در می‌آید و هنوز هم از او و ۳ نفر همراهش خبر روشنی در دست نیست. علی‌الظاهر بسیجی‌های «واقعی» هم به منطق نه غزه، نه لبنان معتقد نبوده‌اند! به سؤال اصلی‌ا ما باز می‌گردم، به نظر شما اسم این وضعیت چیست؟ وضعیتی که عدمای از افراد حرفه‌ای می‌زنند و شعارهایی می‌دهند که از جهات متعددی با هم سازگار نیست و وقتی خوب بحث را می‌شکافی و داخلش می‌شوی می‌بینی که کمابیش خودشان هم می‌دانند که به آن چیزی که می‌گویند معتقد نیستند! به نظر من همان ماجرا کمی فراتر و حتی متفاوت از «بی‌صداتی»، «دورویی» و «ریاکاری» است. احتمالاً بسیاری از دوستان سبز ما صادقانه به چوچی از «شخصیت» امام‌باشی‌های بزرگ

صافدانه مند باشند اما این علامه‌مندی صرف و موضعی بسرای اینکه خود را پرچمدار اندیشه و رهرو طریق آنان جا بزنند کافی نیست. آن وقت است که از دل تناقضات این وضعیت پدیده‌ای متولد می‌شود که در ادبیات قرآنی نام اشکاری دارد «نفاق» مفهوم قرآنی نفاق تا حدودی متفاوت از مقولاتی چون دورویی، ریاکاری و… است. استد می‌کنم است بعضی‌ها خیلی صادقانه منافق باشند(البته این اغلب درباره سران نفاق صادق نیست) نفاق بیش از آنکه انحرافی اخلاقی باشد، عارضه‌ای عقیدتی است و محصول تلاش نافرجام برای جمع بستن میان چیزهایی که با هم قابل جمع نیستند به تعبیر درخشان سیدمحمد صالح‌مستفاد در کتاب «پستاده در یاد» (نگاهی به تفسیر سوره احزاب)؛ نفاق بنا کردن استدلالاتی است با صفرهایی دینی و کبرایای غیردینی، و من فکر می‌کنم می‌توان در اینجا به جای دینی و غیردینی، انقلابی و غیرانقلابی هم قرار داد. «خداوند در سینهٔ مرد ۲ قلب قرار نداده است.» (احزاب، ۴).

رضایی: ولایت فقیه محور وحدت است



کمیسیون ملی انتخابات، سال ۸۵ مطرح شد

حسین مرعشی تأکید کرد

تداوم حمایت هاشمی از موسوی



باید ولایت فقیه باشد و در مرتبه بعدی وحدت باید دوجانبه شکل گیرد و در انتها نیز با سوهظن و تهمت نمی‌توان این موضوع را محقق کرد. رضایی درباره اینکه چه گروه‌هایی می‌توانند در این وحدت مشارکت داشته باشند، گفت: همه گروه‌های می‌توانند در این‌باره همکاری کنند و گروه‌هایی نیز که با هم دارای اختلاف هستند، می‌توانند با صدور بیانیه‌ای بر پایبندی بر امثال انقلاب حول محور رهبری تأکید کنند. هر چند از اوایل مهرماه با اظهارنظر هاشمی‌رفسنجانی و سخن گفتن وی از طرح پرون‌رفت، بازار ایده‌های سیاسی و طرح‌های مشابه، پس از رکودی ۶ ماهه رونق گرفت اما اظهارنظر صریح مراجع عظام تقلید درباره ساختار و مبانی طرح‌های وحدت ملی مسیر مناسبی را برای پیگیری آن مشخص کرد. تأکید صریح مراجع عظام تقلید بر «حفاظ کردن محوریت رهبری در اینگونه طرح‌ها» و «اعتراف سران آشوب به اشتباه خود در قضایای پس از انتخابات» از جمله توصیه‌های آنان به گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی بود که از لزوم عملی شدن چنین ایده‌هایی به‌منظور برقراری آراش در جامعه سخن می‌گفتند. محسن رضایی نیز یکی از چهره‌های سیاسی است که پس از انتخابات با نیم‌نگاهی به مسائل حاشیه‌ای به وجود آمده از ضرورت تشکیل کمیسیون ملی انتخابات سخن گفته بود. هر چند رضایی همانند رئیس‌در مجمع تشخیص مصلحت نظام در وقت از وضع موجود، گفت: نظر صحبت‌نکرد اما اطرافیان وی درباره چنین طرحی می‌گفتند: «بجاد کمیسیونی مستقل از دولت و متشکل از نمایندگان دولت، جناح‌های مختلف سیاسی و دیگر سلیقه‌ها برای برگزاری انتخابات می‌تواند تأثیر بسزایی در کاهش اتهامات پس از انتخابات به گروه‌های مختلف سیاسی داشته باشد.» هنوزا شدن رضایی با مراجع عظام تقلید مبنی بر اینکه «ولایت فقیه باید محور وحدت باشد» بیش از آنکه بیابگر قوام طرح کمیسیون ملی انتخابات باشد، «عطف‌پذیر» بودن طرح ایده کمیسیون ملی انتخابات را نشان می‌دهد. ایده‌های وحدت ملی است، زیرا با وحدت ملی کشور زنده و با تفرقه ضعیف می‌شود. وی اضافه کرد: در وهله اول محوریت وحدت

ارزیابی رئیس سازمان بازرسی کل کشور از رفتار مهدی کروبی

تضعیف‌کننده نظام و قابل پیگیری است

گروه سیاسی: سازمان بازرسی کل کشور وظیفه نظارت بر عملکرد دستگاه‌های دولتی را بر عهده دارد اما موضوع نظارت و پیگیری قضایی تخلفاتی که انجام می‌شود با جایگزین شدن فضای سیادت بر فضای حقوقی و علمی باعث شد عمده سوالات مبعثد خبرنگاران در روز تاسمی سازمان بازرسی کل کشور از رئیس این سازمان به مسائل بعد از انتخابات و حوادث اخیر معطوف شود.حجت‌الاسلام ممصطفی پورمحمدی اما باز هم با نگاه قضایی به مسائل

بعد از انتخابات و حوادثی که به وقوع پیوست پرداخت و در پاسخ به سؤال خبرنگاران درباره پیگیری قضایی ادعاهای مطرح شده توسط نامزدهای انتخاباتی و بویژه ادعاهای مطرح شده توسط مهدی کروبی، به همکاری قوققضائیه با وی اشاره کرد و گفت: این موضوع را کروبی از رئیس قوه قضائیه درخواست پیگیری کرد. لذا آیت‌الله لاریجانی هم کمیته‌ای را برای بررسی موضوع تعیین

کرده و مشخص شد که توضیحات کروبی ناقص بوده و در نتیجه کمیته قوهقضائیه رسماً اعلام نظر کرد که متأسفانه کروبی چیزی که اطلاع نداشته یا حرف‌هایی را که روی جو شایعه مطرح شده یا اینکه بیشتر رسانه‌های بیگانه که عمدتاً ناصواب آن موضوعات را به نظام نسبت می‌دهند، مطرح کرده‌است که البته این نسبت‌ها در سال‌های گذشته هم مطرح بوده و پس از پیگیری‌ها مشخص شده که اکثر آنها خلاف واقع است. پورمحمدی اما اقدام کروبی در بیان ادعاهای واهی خود را غیرقابل دفاع و تضعیف‌کننده نظام دانست و در ادامه اظهار داشت: اگر تخلفی هم در جریان حوادث اخیر رخ داده بود اقدام کروبی از مصادیق روشن تضعیف نظام بوده و به هیچ وجه قابل دفاع نیست و حتماً قابل پیگیری است. سازمان بازرسی کل کشور نمی‌تواند به جای قوه قضائیه وارد بررسی چنین پرونده‌هایی شود اما سؤال یکی از خبرنگاران درباره درخواست برخی از خانواده‌های آسیب‌دیدگان اخیر برای ورود پرونده‌های خود به سازمان بازرسی بود که پورمحمدی پاسخ داد: تماس‌هایی با سا در این‌باره گرفته شده ولی حرف همیشگی ما این بوده که این مباحث، مباحثی قضایی است و ما دخالت در موضوعی که شکایتی، شکایت دارد و مراجع قضایی هم مشغول بررسی هستند نخواهیم کرد. رئیس سازمان بازرسی کل کشور همچنین در ادامه سخنش به سوالات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری دهم به مساله کمیسیون ملی انتخابات اشاره کرد و با وجود اینکه انتخابات سازوکار قانونی تعریف‌شده‌ای دارد، از اصلاح قانون برای گنجاندن این بحث در مساله انتخابات استرال کرد و گفت: این نوع موضوع جزو ایده‌هایی است که مطرح شده و نماینده ما اطلاع خواهیم داد تا در صورت وجود مشکل جلوی آن قبل از نهایی شدن گرفته شود.



در قانون اساسی آمده این است که نظارت برعهده شورای نگهبان است لذا در صورتی که این کمیسیون جنبه نظارتی داشته باشد خلاف قانون اساسی بوده اما چنین کمیسیونی می‌تواند در اجرای انتخابات براساس نظر قانونگذار عمل کند و در این موضوع منعی وجود ندارد. البته این طرح بلاشکل است اما برای اجرا باید به قانون تبدیل شود. پورمحمدی خاطر نشان کرد: مهم این است که قوانین انتخاباتی ما کمبود دارد. زمانی که بنده در وزارت کشور بودم اقداماتی

انجام دادیم و در حال حاضر نیز مجمع تشخیص مصلحت نظام مشغول پیگیری موضوع است. پورمحمدی همچنین به مساله مناظره‌های انتخاباتی نیز پرداخت و در پاسخ به سؤال خبرنگاری مبنی بر اینکه آیا سخنان رئیس‌جمهور درباره برخی اشخاصی که در مناظره‌ها مطرح شد را پیگیری می‌کنید یا خیر، اظهار داشت: ما باید خودمان به تخلف برسیم ولی از هیچ گزارشی دریغ نخواهیم کرد و اگر رئیس‌جمهور یا غیر

- تماس با خارج از کشور بدون گرفتن شماره مقصد**
- تماس بدون نیاز به وارد کردن Pin Code**
- پشتیبانی ۲۴ ساعته**
- شماره گیری سریع و کم هزینه**
- استفاده از اعتبار شارژ شده بدون محدودیت زمان**
- امکان خرید شارژ از طریق کیوسکهای بانک اقتصاد نوین**

فقط با یک تماس، خدمات تلفن بین الملل سریع و ارزان **فرتاک**

را روی تلفن منزل، محل کار و تلفن همراه خود فعال نمائید.

تلفن: **۱۵۰۹۵۹۵۶۵۸۸** (خط ویژه)

تحت لیسانس



تلفن: ۰۲۰۴۰۲۰۳۰۹۰۹۲۳۰

ایترنت هوشمند: ۰۲۰۴۰۲۰۳۰۹۰۹۲۳۰

پاسخ سلیمی‌نمین به یک شایعه

در پی انتشار مطلبی در یک روزنامه مبنی‌بر دیدار عباس سلیمی‌نمین با هاشمی‌رفسنجانی، سلیمی‌نمین پاسخی را در جواب آن منتشر کرد. در بخشی از پاسخ سلیمی‌نمین آمده است: «اولاً بنده هرگز به صورت انفرادی با جمعی ملاقاتی با جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی نداشتم. ثانیاً اگر معتقدم به تلاش برای رفع کدورت‌ها باشم (که قطعاً آن را ضروری می‌بینم) تا این حد شرم سیاسی دارم که نقطه ثقل تقویت وحدت ملی را یکی از آغازکنندگان منازعه‌ای باطل قرار ندهم. برای ایجاد مفاهمه و تلطیف فضای سیاسی بدیهی است به شخصیت‌هایی باید رجوع شود که مر تکب خطاهای فاحش نشده باشند. ثالثاً تصور من آن است که آن جریده محترم و برخی رسانه‌های دیگر برآند که برخی نخبگان دارای عملکرد نامطلوب در انتخابات اخیر را از عذرخواهی از ملت بی‌نیاز سازند. برآستی چرا تصور می‌کنیم اگر یک شخصیت سیاسی دچار خطایی زانبار برای جامعه شد، چنانچه در محضر ملت به اشتباه خود اذعان کرده و عذرخواهی کند، از شأن و منزلتش کاسته می‌شود؟»

♦♦♦

شکایات مردمی علیه قانون‌گریزی

به دادستانی تقدیم می‌شود

وطن امروز: مسؤول کمیته رسانه‌ای جنبش مردم ایران علیه قانون‌گریزی گفت: شکایات مردمی علیه میرحسین موسوی به‌طور مکتوب به دادستانی کشور تقدیم می‌شود. امیرطاهر حسین خان تأکید کرد: جمع‌کنشیری از ملت ایران علیه میرحسین موسوی شکایت کرده‌اند و این شکایات در سایت موج قانون با بیان مشخصات و کد ملی افراد به ثبت رسیده است. وی ادامه داد: پس از اینکه شکایات مردمی علیه میرحسین موسوی به حد نصاب تعیین شده رسید، این شکایات جمع‌آوری شده و به دادستانی کشور ارائه می‌شود.

♦♦♦

تحریم، ایرانی‌ها را متحد می‌کند

خبرگزاری رویترز در گزارشی با اشاره به موضوع هسته‌ای و بحث تحریم ایران نوشت: برنامه هسته‌ای ایران همیشه سبب اتحاد ایرانی‌ها شده است. ممکن است تشدید تحریم‌ها به اتحاد بیشتر ملت ایران منجر شود. این خبرگزاری در گزارشی با نام «برسش و پاسخ‌هایی درباره مقاصد ایران» به موضوع تحریم اشاره کرد و نوشت، ممکن است تشدید تحریم ایران به اتحاد بیشتر ملت این کشور منجر شود. رویترز با اشاره به موضوعی که برخی کشورهای غربی از جمله آمریکا درباره تشدید تحریم ایران مطرح می‌کنند تأکید کرد: «شاید تشدید تحریم‌های ایران به نفع ایران باشد» اما متحد کننده هر چند در درازمدت ممکن است برخی ایرانی‌ها را خشمگین کند.»